

## نقش والدین در تربیت دینی کودک از نظر پیامبر ﷺ و امام صادق علیه السلام

معصومه مصباح<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از مهمترین وظایف دینی و اجتماعی والدین (پدر و مادر) تربیت دینی کودک است. والدین نقش بسیار مهمی در شکل دهی به شخصیت فرزند ایفا می‌کنند. دوران کودکی مهمترین مرحله رشد است و عواطف عمیق والدین در شکل‌گیری شخصیت کودک در این دوران نقش بزرگی دارد؛ زیرا خانواده نخستین کانون تربیت است. خانواده مدرسه بزرگ تربیتی است که کودک به تدریج از رفتارهای والدین الگوبرداری می‌کند، بنابراین مسئولیت پدر و مادر تنها تأمین غذا، لباس و بهداشت کودک نیست، بلکه باید کودک را مطابق دستورات پیشوایان دینی تربیت کنند و بر رفتار، کردار، عبادت و دوستان کودکانشان نظارت کنند. توجه والدین به کودک موجب رشد و شادابی و تربیت صحیح و سالم وی می‌شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش والدین در تربیت دینی کودک از منظر پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امام صادق علیه السلام انجام شد. از این رو، پس از بیان ویژگی‌های فطری و غریزی کودک، نقش پدر و مادر در تربیت دینی کودک بررسی شد؛ زیرا اگر فرزندان تربیت صحیح و مطابق با موازین و دستورات دین مقدس اسلام نداشته باشند، افراد صالح و سودمندی برای جامعه نخواهد شد.

**واژگان کلیدی:** تربیت دینی، پیامبر اکرم ﷺ و امام صادق علیه السلام، نقش والدین.

### ۱. مقدمه

کودک امانتی است که از طرف خداوند به پدر و مادر سپرده شده است. کودک دارای قلبی پاک و ساده است و از آنجا که فطرتی پاک و لطیف دارد، می‌تواند پذیرای تربیت دینی باشد و بسیار آسان‌تر از بزرگسالان مطالب دینی را یاد می‌گیرد. تربیت دینی کودک عبارت است از: پرورش و رشد کودک مطابق با شیوه‌ها و الگوهای دینی که توسط پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیه السلام تبیین شده است تا زمینه‌های شکوفا شدن توانایی‌های ذاتی و فطری فرزند در جنبه‌های شناختی، عاطفی و اخلاقی فراهم شود به گونه‌ای که وی با اراده و اختیار خود در مسیر رشد روحی و معنوی گام بردارد و به سعادت ابدی، یعنی قرب پروردگار برسد.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امام صادق علیه السلام در مورد تربیت دینی کودک بسیار تأکید کرده‌اند و پدر و مادر را در قبال تربیت کودک مسئول می‌دانند. موضوع تربیت دینی کودک در آیات قرآن و احادیث پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیه السلام زیاد دیده شده و در این موضوع کتاب‌ها

۱. دانش پژوهش کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی.

و مقاله های زیادی نوشته شده است از جمله:

- کتاب گامی در مسیر تربیت اسلامی، نوشته دکتر رجبعلی مظلومی، سال ۱۳۸۶ که محورهای کلی آن کودک و مختصات او، نوجوانان و مختصات اوست. این کتاب اگرچه کتاب خوبی است، در آن از منابع بسیار محدودی استفاده شده و به نقش والدین در تربیت دینی کودک از منظر پیامبر ﷺ هم اشاره نکرده است.

- کتاب حقوق فرزندان در مکت اهل بیت، نوشته محمد جواد مروجی طبسی، سال ۱۳۸۳. محورهای کلی این کتاب جایگاه فرزند و مسئولیت والدین، دوران تولد و رعایت سنت ها و... است. در فصل ششم که پرورش ایمان و مذهب است، مقداری به موضوع پرداخته است. این کتاب از منابع زیادی استفاده کرده است، اما به صورت همه جانبه و کامل به این موضوع نپرداخته است. برای مثال، نقش مادر در تربیت دینی کودک را بررسی نکرده است. به نظر می رسد تا به حال هیچ کتاب یا مقاله ای به صورت عمیق و همه جانبه به این موضوع نپرداخته، بنابراین موضوع این مقاله تا حدودی زیادی تازه و ابتکاری است.

پژوهش حاضر به نقش والدین در تربیت دینی کودکان از منظر پیامبر ﷺ و امام صادق علیه السلام می پردازد. احادیث پیامبر ﷺ درباره این موضوع پراکنده بوده و در کتاب های مختلفی ذکر شده است، ولی به صورت جامع مورد تحقیق و پژوهش های علمی قرار نگرفته، بنابراین این مقاله بر آن شد که این احادیث را جمع آوری کرده و مورد تحقیق و پژوهش قرار دهد. موضوع تربیت دینی کودک را می توان از جنبه های مختلفی مانند ویژگی های کودک در ۷ سال اول زندگی و نقش پدر و مادر در تربیت دینی کودک مورد بحث قرار داد که در این مقاله تربیت دینی کودک از منظر پیامبر ﷺ و امام صادق علیه السلام مورد بحث قرار داده شده است.

## ۲. ویژگی های کودک در ۷ سال اول زندگی

- از نظر جسمی: تکمال رشد مغز؛

- از نظر روحی: پیدایش ابتکار و ابداع، مهیا شدن برای استقلال، تقلید شدید از والدین یا مخالفت با نظر آنان به تناسب قضاوتی که درباره ایشان شده است، نقش پذیری فراوان از خانواده؛

- از نظر عاطفی: در پسران قوت اعتماد به نفس و در دختران شدت محبت و دیگر نوازی.

(مظلومی، ۱۳۸۶، ۳۷/۱-۳۸)

دوران خردسالی دورانی است که اگر کودک در زمینه های مربوط به پرورش عواطف و احساساتی مانند احساس همدردی، شادی، ابراز مهر و محبت و... تحت مراقبت و تعلیم و تربیت صحیح

اسلامی که از ایمان و اعتقاد به خدا سرچشمه گرفته قرار نگیرد به یک انسان خودخواه و بیعاطفه نسبت به افراد خانواده و اجتماع تبدیل خواهد شد. (فرهادیان، ۱۳۸۲، ص ۳۹-۴۱) این دوران مهمترین مرحله زندگی است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «بگذار فرزندت هفت سال بازی کند. سپس او را تأدیب کن و [بعد] هفت سال او را همراه خود داشته باش، اگر رستگار شد که چه بهتر در غیر این صورت خیری در او نیست» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۱۹۵/۱۵). همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: «فرزند صالح گلی از گل های بهشت است» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۹۷/۱۵).

## ۱-۲. ویژگی های جسمی

رشد جسمانی و حرکت سلامت عمومی کودک مقدمه ای لازم برای مراحل رشد و شکوفایی آنهاست و آسیب پذیری کودکان در برابر امراض و عفونت ها بیشتر از دیگران است. بنابراین، رعایت اصول تغذیه و بهداشت او دو اصل مهم در راستای رشد کودک است. بیشتر کودکان در یک سالگی قدرت ایستادن و راه رفتن تدریجی را دارند و در دو سالگی به طور کامل توانایی راه رفتن دارند. اولین کلمات را در این سنین آغاز کرده و تا سه سالگی می توانند حرف بزنند. هر چقدر شروع و تکمیل این مراحل زودتر انجام شود، کودک از هوش بیشتری برخوردار است. (کهپیزی شمسی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵-۱۱۶) برای بهبود رشد جسمانی و حرکتی کودک همکاری و همراهی والدین با آهنگ رشد آرام و تدریجی کودک ضروری است که این مهم را باید بیشتر مد نظر بگیرند و بهتر است والدین خود را در دنیای کودک وارد کرده همکاری بهتری از خودشان دهند (کهپیزی شمسی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵-۱۱۶).

## ۲-۲. ویژگی های روحی

کودکی که در محیط آرام رشد کند به طور طبیعی ذهنش آماده می شود تا آنچه را که در توان دارد، آشکار نماید و استعداد های نهفته خود را نیز ظاهر کند؛ زیرا مانعی برای ابراز وجود و اظهار خواسته های خود نمی بیند. آنچه روحیه اعتماد به نفس کودک را در این دوران حفظ کرده و آن را بارور می کند، آزادی در تجربه است. حال اگر محیط غنی تر باشد برای کسب تجربیات بیشتر و ارزیابی و شناخت او آماده تر می شود و برای همین، روحیه اعتماد به نفس و اتکا به خویشتن و استقلال در روی قوت می یابد (فرهادیان، ۱۳۷۳، ص ۱۳-۱۴).

## ۱-۲-۲. ظهور داوری

کودکان بخش اعظم رفتار خود را از والدین اقتباس می کنند. تسلط بر نفس، مقاومت یا تسلیم در برابر یک امر، خشم یا گذشت بی حساب، همه و همه در فرزندان اثر می گذارند. این امر به این

دلیل است که فرزندان مقلدان خوبی هستند و از همان کودکی پایه های رفتاری خود را بر اساس تقلید می گذارند. کودکان از بزرگترها می آموزند که در برابر صحنه های گوناگون چه موضعی اتخاذ کنند و آنها را قضاوت می کنند. از بزرگترها یاد می گیرند که چگونه باید بر خود مسلط بود و در برابر صحنه های خشم و تنفرآمیز خود را حفظ کرد. فرزندان به شدت از والدین الگو می گیرند و از آنها تقلید می کنند. (قائمی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۹-۱۴۰)

### ۲-۲-۲. ویژگی های عاطفی پسر

یکی از مهربانی ها و روش های درست تربیتی ایجاد اعتماد به نفس و اتکای به خود در فرزندان است. پدران و مادران باید خود چنین افکار و رفتاری داشته باشند تا فرزندان که تربیت می کنند طبق موازین شرعی، چشم و دستشان به امید دیگران نباشد. خداوند در قرآن می فرماید: «خداوند هیچ کس را جز به قدر تواناییاش تکلیف نمی کند. آنچه از خوبی به دست آورده به سود او و آنچه از بدی به دست آورده به زیان اوست» (بقره: ۲۸۶).

امام صادق علیه السلام می فرماید: «بار مسئولیت خویشتن را خودت باید بردوش بگیری و اگر از انجام وظیفه شانه خالی کنی دیگری بار مسئولیت تو را حمل نخواهد کرد». (کلینی رازی، ۱۳۶۵، ۴۵۴/۲) باید به پسران تا اندازه ای مکفی و درست، آزادی داد تا استعدادها و نهفته آنان تبلور یابد و این آزادی نباید بی اندازه ای باشد، همچنین باید پسران را طوری تربیت کرد که خجالتی نباشند. شرم و حیا صفت پسندیده ای است که باید آن را در کودک رشد دارد، و باید توجه کرد که این صفت با کم رویی متفاوت است. (ارگانی بهبهانی حائری، ۱۳۷۹، ص ۱۴۸-۱۴۹)

### ۲-۲-۳. ویژگی های عاطفی دختر

در مسائل عاطفی دختر و پسر بودن مطرح نیست، ولی در جنبه اجرا و عمل توجه بیشتری به دختران باید داشت. این امر برای این است که سعادت و شقاوت نسل آینده به دست دختران است. اسلام در رعایت عواطف دختران مراقبت ها و توصیه هایی دارد. در پرورش عواطفشان می کوشد جوانبی را رعایت کند که آن جوانب درباره پسران کمتر مورد توجه است. برای مثال اسلام می کوشد عواطف دختران جریحه دار نشده و محبت ها به جا و مناسب باشد. (قائمی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۶-۱۳۸)

### ۲-۳-۲. ویژگی های عقلی و غریزی کودک

روسو می گوید: «غرایز کودک کامل است، ولی عقل او برای درک اصول (اصول منطقی) توانایی ندارد». به نظر او حقایق از راه قلب و احساسات زودتر کشف می شوند تا از راه عقل و منطق. او

منطق را مولود اجتماع داند و اجتماع را ناقص یا فاسد دانسته و می‌گوید: «احساسات غریزی زاده طبیعت هستند و طبیعت به خودی خود نیکو و پسندیده است و می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای تربیت کودک باشد. کودک از نظر غرایز ضعیف‌تر از حیوان است و از نظر تأمین زندگی نیز توانایی کمتری دارد، بنابراین در برابر حوادث زودتر می‌لرزد و کمک می‌طلبد. (مظلومی، ۱۳۸۶، ص ۴۱) برای جبران این نقیصه در تلاش است تا با (عقل و تدبیر) آن را بر طرف کند. قوای عقلی و حافظه و تکلم و نطق و قدرت ارتباط کودک در ابتدا بسیار ناچیز بوده و رشد آنها نیز کند است. بنابراین، ضروری است که محیطی مساعد برای رشد خود داشته باشد. محیطی که در آن بتواند نفوذ و حکومت کند. (نفیسی، ۱۳۴۹، ص ۲۷-۲۹)

### ۳. چگونگی پذیرش دین در کودک

برای فراهم کردن زمینه آموزش و پذیرش دین در کودک توجه به نکات زیر لازم است.

#### ۱-۳. ارتباط کلامی مناسب با کودک

با توجه به اینکه یکی از راه‌های آموزش و پذیرش ارزش‌های دینی استفاده از سخن است، حتماً باید از سخنی نرم و بیانی شیوا استفاده شود. صدای بلند به ویژه اگر با خشونت همراه شود باعث بی‌توجهی کودک به آموزش دینی خواهد شد. (دهنوی، ۱۳۸۴، ص ۷۷-۷۸)

#### ۲-۳. وضعیت ظاهری مناسب

ظاهر آراسته، لباس مناسب، موی شانه زده، دندان‌های تمیز، بوی خوش و... زمینه‌ساز پذیرش دینی هستند. (دهنوی، ۱۳۸۴، ص ۷۷-۷۸)

#### ۳-۳. خوش خلقی

خوشرویی و نگاه محبت‌آمیز، فضای ارتباط را فراهم می‌کند و بد اخلاقی و ترش‌رویی زمینه آموزش دین را از بین می‌برد. (دهنوی، ۱۳۸۴، ص ۷۷-۷۸)

#### ۴-۳. حوصله

برای آموزش ارزش‌های دینی، بردباری ضرورت دارد. با توجه به ضعف تمرکز کودکان گاهی لازم است آموزه‌ای بارها تکرار شود که صبر و حوصله والدین را می‌طلبد. (دهنوی، ۱۳۸۴، ص ۷۷-۷۸) دختر حضرت امام خمینی علیه‌السلام می‌گوید: «کودکی ۵ ساله بودم و به حضرت امام در نماز اقتدا کردم. پس از اتمام نماز مادرم گفت دخترم به شکل صحیحی اقتدا نکردی. از امام پرسیدم. آن بزرگوار ۱۵ دقیقه برایم توضیح داد». (علاء الدین، ۱۳۸۰، ص ۸۶؛ دهنوی، ۱۳۸۴، ص ۷۷-۷۸)

#### ۴. نقش مادر در تربیت دینی کودک در ۷ سال اول

نقش مادر پس از دوران بارداری، پس از تولد فرزند نیز ادامه می یابد. افزون بر آن زمینه ایفای نقش های جدید نیز برای مادر به وجود می آید که وی باید با آگاهی کامل از وظایف خود به اجرای آن نقش ها بپردازد. (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۶۵) در ادامه برخی از این نقش های مادر پس از تولد بیان می شود تا بدین وسیله زمینه تربیت هرچه بهتر فرزند برای مادران فراهم شود.

رسول خدا ﷺ در روایتی می فرماید: «بدانید همه شما حافظ مصالح هستید و همه شما در برابر کسانی که حافظ مصالح آنان هستید، مسئولید. زن نیز حافظ مصالح خانواده شوهر و فرزندان اوست و در برابر آنان مسئول است». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۴/۲۹۴) در این روایت، پیامبر ﷺ به صراحت زنان را حافظ مصالح خانواده شوهر و فرزندان دانسته که یکی از آنها اهتمام به تربیت دینی آنان است (داوودی، ۱۳۸۳، ۲/۲۷۱).

#### ۴-۱. تربیت و پرورش عزت نفس کودک

عزت نفس و بزرگ منشی از ویژگی های برجسته انسانی است که هر فردی می کوشد آن را هم در وجود خود و هم در وجود فرزندان و خانواده اش ایجاد و تقویت کند. در اینجا منظور از عزت نفس شناخت حقیقت نفس خویش و قرار دادن آن در مقام و منزلت حقیقی خود است. تقویت عزت نفس به این معنا در شعار اصول تعلیم و تربیت است و مادر باید به آن توجه ویژه ای داشته باشد؛ زیرا نادیده انگاشتن عزت نفس کودک و غرور به ضعف نفس او میانجامد که هر کدام بی آمدهای نامطلوب تربیتی به همراه دارد. از این رو باید عزت نفس را از زمان کودکی در فرزندان ایجاد و تقویت کرد و آنها را با آن ویژگی پرورش داد. هیچ فردی به اندازه مادر نمی تواند ویژگی های نیک را در وجود فرزند پدید آورد؛ زیرا کودک بیشتر از هر کسی از مادر اثر می پذیرد. گذشته از گفتار، رفتار مادر نیز برای فرزند آموزنده و اثربخش است. از این رو نباید کارهایی را انجام دهد که با عزت فردی و خانوادگی اش منافات داشته باشد. (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۷۸-۷۹) خداوند در قرآن کریم می فرماید: «عزت برای خدا و برای پیغمبر و برای مؤمنین است» (منافقون: ۶۳).

#### ۴-۲. تکریم و احترام کودک

احترام به دیگران از آموزه های مهم در فرهنگ اسلامی بوده و بسیار بر آن تأکید شده است. خداوند متعال می فرماید: «ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم» (اسراء: ۱۷). گاه دیده می شود که والدین به دلیل ناآگاهی، شخصیت کودکان خود را قدر نمی گذارند و برای آنها احترام قائل نمی شوند. شخصیت و روح حساس کودکان معنای تکریم و احترام و حرمت نهادن را درک می کند

و بی توجهی را نیز به خوبی درمی یابد (ارگانی بهبهانی حائری، ۱۳۷۹، ص ۱۲۴-۱۲۵).

مادر نباید نزد دیگران فرزندان خود را خوار کرده و با گفتن کلمات و جملات ناپسند آنان را تحقیر کند. این کار آینه روح پاک فرزندان را لکه دار می کند و رنجشی همیشگی و تزلزلی عاطفی را در آنان موجب می شود. احترام به کودک از عوامل مهم در پرورش شخصیتش به شمار می رود. بر همین اساس باید به کودک احترام گذاشت و او را تکریم کرد، چنانکه رسول خدا ﷺ فرمود: «فرزندانتان را گرمی بدارید و آنها را نیکو تربیت کنید تا شما را بیامرزد» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۱۵/۱۹۵). تذکر این نکته لازم است که اگر مادر به همسرش احترام بگذارد و فضای محبت و قدردانی و تکریم بر خانواده حاکم باشد، کودکان نیز این رفتارها را می آموزند و به تعادل تربیتی می رسند (ارگانی بهبهانی حائری، ۱۳۷۹، ص ۱۲۴).

مادر بیش از همه شایسته احترام و تکریم به کودک است، چون او رابطه تنگاتنگ و مداوم با کودک دارد و همواره از احوال و اوضاعش با خبر است. مادر نباید فرزند را از نظر روحی و روانی تحقیر کند، بلکه باید به شخصیت او بها دهد و وی را تشویق کند تا استعدادهای درونی اش شکوفا شود (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۸۳). امام صادق علیه السلام می فرماید: «دین غیر از دوستی و محبت اساس دیگری دارد؟» (فلسفی، ۱۳۶۳، ص ۱۶۱).

#### ۳-۴. تعلیم و آداب سلام کردن

سلام کردن به دیگران از مستحبات مهم در این اسلام است و ثواب فراوانی دارد. سلام کردن اختصاص به بزرگسالان ندارد، بلکه سلام کردن به کودکان از سنت های رسول اکرم ﷺ است. پیامبر اکرم ﷺ در این باره می فرماید: «یکی از چیزهایی که تا زنده هستم ترک نخواهم کرد سلام دادن به کودکان است. تا اینکه پس از من مانند سنت اسلامی باقی بماند» (محمدی ری شهری، ۱۴۲۱، ص ۲۵۹). خداوند درباره سلام کردن می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! در خانه هایی غیر از خانه های خودتان وارد نشوید تا اجازه بگیرید و براهل آن خانه سلام کنید» (نور: ۲۷).

سلام کردن به کودکان دو فایده دارد: اول اینکه موجب آشنایی آنها با این سنت نیکوی پیامبر اسلام ﷺ می شود و آن را بهتر می آموزند. دوم اینکه باعث رشد شخصیت معنوی و اجتماعی شان می شود. بر مادران لازم است این سنت حسنه را به فرزندانشان بیاموزند و آنها را از کودکی با سلام کردن آشنا کنند. اگر مادر به این کار عادت کند و هر وقت با دیگران روبرو شد، سلام کند به تدریج سلام کردن برای او عادت شده و همواره به دیگران سلام می کند (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۹۲-۹۱).

## ۵. نقش پدر در تربیت دینی کودک

با اینکه نقش پدر در تربیت، بعد از نقش مادر است، باز اهمیت بسیاری دارد. پدر از نظر کودک مظهر قانون و عدل و انصاف است. اوست که می‌تواند برای اعضای خانواده پناهگاه تأمین‌کننده باشد. اوست که معاش و وسایل اهل خانه را فراهم می‌کند. در نتیجه پدر باید با آگاهی و توجه کامل از وظایف خود به اجرای آن نقش‌ها بپردازد. در ادامه برخی از نقش‌های پدر در تربیت کودک بیان می‌شود.

### ۵-۱. آموزش و تعلیم دین و احکام

آگاهی دینی متناسب با نیازهای کودک، نقش مهمی در سرنوشت آینده آنها ایفا می‌کند؛ زیرا اساس انسان را فکر و فرهنگ او می‌سازد و اگر این فکر و فرهنگ مبتنی بر آگاهی‌های مستند و مستدل دینی باشد، زندگی سمت و سوی الهی پیدا می‌کند. از این رو، تعلیم مسائل دینی و احکام مذهبی به کودکان در روشننگری ذهن آنان و ایجاد علاقه به امور دینی و استواری در دین‌داری بسیار اهمیت دارد. (مروجی طبسی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۴-۱۶۵)

روزی پیامبر اکرم ﷺ با دیدن بعضی از کودکان فرمود:

وای به حال کودکان آخرالزمان از دست پدرانشان. عرض شد یا رسول الله از پدران مشترک آنها؟ فرمود: نه از پدران مسلمانشان که چیزی از فرائض مذهبی را به آنان نمی‌آموزند و اگر فرزندان بخواهند خود در صد آموزش مسائل دینی باشند آنان را از این امر باز می‌دارند و تنها به این دلخوشند که فرزندانشان بهره‌ناچیزی از دنیا به دست آورند. من از این قبیل پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند. (نوری، بی تا، ۱۶۴/۱۵)

### ۵-۱-۱. آموزش کلمه «لا اله الا الله»

ابن عباس از پیامبر ﷺ چنین روایت می‌کند: «اولین کلمه‌ای که بر زبان کودکان می‌گذارید «لا اله الا الله» باشد» (متقی هندی، ۱۴۰۵، ۴۴۱/۱۶). عبدالله بن فضاله نیز می‌گوید:

از امام باقر ﷺ و امام صادق ﷺ شنیدم که فرمود: وقتی پسر به سن سه سالگی رسید به او بیاموزند که هفت مرتبه «لا اله الا الله» بگوید. پس او را آزاد گذارند تا سن او به سن سه سال و هفت ماه بیست روز برسد. آنگاه به او آموزش دهند که «محمد رسول الله» بگوید. سپس آزادش بگذارند و چون به سن چهار سالگی رسید هفت بار بگوید: «صلی الله علی محمد و آله» بازها شود تا به سن پنج سالگی برسد. در این هنگام به او بگویند: دست راست و چپ تو کدام است؟ پس اگر دست راست و چپ را از هم تشخیص داد صورتش را به طرف قبله برگردانده و به او گفته شود سجده کن و همچنین آزاد گزارده شود تا اینکه به سن شش سالگی برسد، پس اگر شش سال بر او گذشت نماز بخواند و رکوع و سجود به



او تعلیم شود تا اینکه هفت سال او تمام شود. در این زمان به او گفته شود: صورت و دو دستش را بشوید و نماز بخواند، سپس رها شود تا نه سالش تمام شود. در این سن وضو را به او یاد دهند و در صورت سهل انگاری او را تنبیه کنند و به نماز دستورش دهند و از سستی کردن به خواندن نماز تنبیه شود. پس اگر وضو و نماز را یاد گرفت خداوند پدر و مادر آن طفل را مورد رحمت و غفران خویش قرار خواهد داد. (حرعاملی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۳)

#### ۵-۲. توجه به اهمیت دادن به نماز کودک

یکی از وظایف اصلی پدر و مادر این است که به نماز فرزندان خود فوق العاده اهمیت دهند و فرزند خود را از دوران کودکی با اهمیت آن آشنا کنند و به او تعلیم دهند که نماز یاد خداست و زندگی بی یاد خدا تاریک است. نماز نور چشم پیامبر اکرم ﷺ و سفارش همه انبیا و اوصیاست. (مروجی طبسی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۱-۱۸۲)

قرآن مجید در آیات فراوانی به این امر مهم و سرنوشت ساز تأکید فراوان کرده و از زبان لقمان حکیم به فرزندش نقل می‌کند که فرمود: «پسرم! نماز را بر پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مشکلاتی که به تو می‌رسد با استقامت و شکیبا باش که این از کارهای مهم و اساسی است» (لقمان: ۱۷). سفارش و توصیه امام صادق علیه السلام در حال احتضار: «ابوبصیر از حضرت ابوالحسن امام کاظم علیه السلام روایت کرده که فرمود: پدرم در حال احتضار فرمود: فرزندانم! شفاعت ما به کسی که نماز را سبک شمارد نخواهد رسید» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۲۶۲/۱۷).

ابوبصیر از یاران با وفای امام صادق علیه السلام چنین می‌گوید:

پس از شهادت امام صادق علیه السلام برای تسلیت به خانه امام رفتم و به حضور ام حمیده رسیدم. نگاه ام حمیده به من افتاد. گریست و من نیز به گریه افتادم. ام حمیده گفت: ای ابومحمد! اگر امام صادق علیه السلام را در حال احتضار می‌نگریستی امر عجیبی را مشاهده می‌کردی! امام در آن حال چشمان خود را باز کرد و فرمود: «هر کسی را که با من خویشی دارد حاضر کنید!» ما نیز به دستور آن حضرت همه خویشان او را جمع کردیم، اما بار دیگر چشمان خود را باز کرد و نگاهی به جمع حاضر کرد و فرمود: «بدانید شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد، نخواهد رسید.» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۲۶۲/۱۷)

این سفارشی بود که امام المتقین امام صادق علیه السلام در آخرین لحظات عمر پربرکتش به خویشان خود به آنان که شاید گمان می‌کردند تنها خویشاوندی با امام موجب نجات و سعادت آنان خواهد شد و در هر صورت از شفاعت آن حضرت بهره مند خواهد بود! اگر چه با سهل انگاری و کوتاهی در نماز باشد. (مروجی طبسی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۳)

### ۵-۱-۳. سفارش به نماز اول وقت

امام علی علیه السلام به فرزند خود امام حسن مجتبی علیه السلام چنین سفارش می‌کند: «فرزندم! تو را به خواندن نماز اول وقت سفارش می‌کنم». (مجلسی، ۱۳۹۷، ۴۵۸/۷۵) این فداح روایت کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: «ما به فرزندان خود دستور می‌دهیم مادامی که در حال وضو هستند و مشغول کار دیگری نشده‌اند، نماز ظهر را با نماز عصر و نماز مغرب را با نماز عشاء بخوانند» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۱۸۳/۱۵). از این روایات استفاده می‌شود که شیوه همه معصومین علیهم السلام درباره کودکان نشان چنین بوه است (مروجی طبسی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۴-۱۸۲).

### ۵-۱-۴. سیره و روش معصومین علیهم السلام در نماز کودکان

روش امامان برای این بوده که فرزندان خود را از سن پنج سالگی به نماز و می‌داشتند، اما خودشان می‌فرمودند: «لازم نیست شما فرزندان خود را در پنج سالگی وادار به نماز کنید، بلکه آنان را در سن هفت سالگی به نماز تشویق کنید» (مروجی طبسی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۶-۱۸۸). آموختن نماز به کودکان از وظائف اولیه پدران و مادران به خصوص پدران است. سیره از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: «به کودکان در سنین هفت سالگی نماز یاد دهید و در ده سالگی او را (در صورت سستی) برای نماز تنبیه کنید» (متقی هند، ۱۴۰۵، ص ۴۴۰). همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فرزندان خود را در شش سالگی به نماز دستور دهید» (نوری، بی تا، ۱۹/۳).

### ۵-۱-۵. تعلیم قرآن

قرآن آخرین کتاب آسمانی است که تمام قوانین هدایت و سعادت انسان‌ها را در بردارد. قرآن کلید ارتباط با حق است و تدبر در آیات آن سبب بیداری دل‌ها و شکوفایی مغزهاست. از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار به قرآن اهتمام می‌ورزید و ائمه طاهرين علیهم السلام بر اینکه خود به قرآن عنایت بسیار داشتند فرزندان خود را با قرائت حفظ و آموزش قرآن و عمل به آن تشویق و توصیه می‌کردند و آموزش قرآن را یکی از حقوق مسلم فرزند بر گردن والدین می‌دانستند. (مروجی طبسی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۰-۱۹۱) آموزش این کتاب آسمانی از حقوق مسلم فرزندان است که پدران و مادران باید از عهده آن برآیند و آنان را با قرآن آشنا کنند. بدین معنا که خودشان قرآن را به آنان بیاموزند یا برای آنان معلم بگیرند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حق فرزند بر پدر آن است که به او قرآن بیاموزد» (متقی هند، ۱۴۰۵، ص ۴۱۷).

امام صادق علیه السلام فرمود: «به فرزندان سوره «یس» بیاموزید؛ زیرا این سوره، گل {باغ} قرآن است» (نوری، بی تا، ۳۲۵/۴). پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «حق فرزند بر پدر آن است که اگر دختر بود سوره «نور»

را به او تعلیم دهد» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۹).

## ۶. نتیجه‌گیری

تعلیم و تربیت از امور ضروری و حیاتی انسان است به گونه‌ای که انسان فاقد تعلیم و تربیت فاقد همه چیز است. تشکیل جامعه سالم و بدون تعلیم و تربیت صحیح امکان پذیر نیست. بهترین زمان مناسب برای تربیت، دوران کودکی و نوجوانی است که مرحله رشد و تکامل پذیری جسمی و روحی انسان است. بنابراین، باید برای تربیت دینی کودکان تلاش کرده و آنان را برای آینده آماده کرد؛ زیرا اگر فرزندان از تربیت صحیح برخوردار نشوند، نمی‌توانند در آینده افراد صالح و سودمندی برای جامعه باشند. برای همین است که تمام ادیان الهی و مکاتب مادی اهمیت این امر را تأیید کرده‌اند. دین اسلام که کامل‌ترین دین الهی است بهترین و نافع‌ترین دستورات و برنامه‌ها را برای تکامل جسمی و معنوی بشر به ارمغان آورده و تلاش کرده تا بشر را به سعادت دنیا و آخرت راهنمایی و هدایت کند. این وظیفه خطیر و مقدس به عهده والدین و مربیان دینی است که نقش والدین در این امر از همه مهمتر و برجسته‌تر است. به خصوص در دوران کودکی که یگانه مربی کودکان همان والدینشان است.

پژوهش حاضر به نقش والدین در تربیت دینی کودک از منظر پیامبر ﷺ و امام صادق علیه السلام می‌پردازد. در محور اول ویژگی‌ها، مشخصات و چگونگی پذیرش دین در هفت سال اول توسط کودک بیان شده و در محور دوم به نقش مادر در تربیت دینی کودک در هفت سال اول می‌پردازد. محور سوم نیز نقش پدر در تربیت دینی کودک را در هفت سال اول بیان می‌کند.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم، مترجم: مهدی الهی قمشه‌ای.
۱. احسانی، محمد (۱۳۸۷). نقش مادران در تربیت دینی فرزندان. قم: دفتر حق.
۲. ارگانی بهبهانی حائری، محمود (۱۳۷۹). تربیت فرزند در اسلام. قم: پیام المهدی علیه السلام.
۳. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۲). وسائل الشیعه. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴. داوودی، محمد (۱۳۸۲). سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام در تربیت دینی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۵. دهنوی، حسین (۱۳۸۴). نسیم مهرپریش و پاسخ تربیت کودک و نوجوان گفت و گوی رادیویی. قم: خادم الرضا علیه السلام.
۶. علاءالدین، محمد رضا (۱۳۸۰). نگرشی نو به تربیت دینی کودکان و نوجوانان. اصفهان: پیام صادق علیه السلام.
۷. فرهادیان، رضا (۱۳۷۳). آنچه که والدین و مربیان باید بدانند. قم: رئوف.
۸. فرهادیان، رضا (۱۳۸۲). والدین و مربیان مسئول. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۹. فلسفی، محمد تقی (۱۳۶۳). کودک (از نظر وراثت و تربیت). تهران: معارف اسلامی.
۱۰. قائمی، علی (۱۳۷۲). اسلام و تربیت دختران. بی‌جا: امیری.
۱۱. کلینی رازی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵). اصول کافی. تهران: دارالکتب اسلامی.

۱۲. کهریزی شمس، عباس (۱۳۸۳). آغوش مهر (بهترین گهواره تربیت). قم: مشهور.
۱۳. متقی هندی (۱۴۰۵). کنز العمال. بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۴. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۹). بحار الانوار. تهران: اسلامی.
۱۵. محمدی ری شهری، محمد (۱۴۲۱). منتخب میزان الحکمه. قم: دارالحدیث.
۱۶. مروجی طبسی، محمدجواد (۱۳۸۳). حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام. قم: بوستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی).
۱۷. مظلومی، رجبعلی (۱۳۸۶). گامی در مسیر تربیت اسلامی (از کودکی تا بلوغ). تهران: آفاق.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب اسلامیه.
۱۹. نفیسی (۱۳۴۹). بررسی مشکلات جوانان. اصفهان: کانون علمی و تربیتی جهان اسلام.
۲۰. نوری، میرزا حسین (بی تا). مستدرک الوسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.

